

بررسی تطبیقی مفهوم منازعه در سامانه فکری باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال تحولات جهانی

قدرت احمدیان^۱، فرزاد رستمی^۱، حمیدرضا چراغی^۲

چکیده

در این مقاله درصدد بررسی دوره زمامداری باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال تحولاتی جهانی هستیم. که دارای رویکرد متفاوتی بوده، که در اینجا به دنبال این هستیم که ویژگی شخصیتی دو رئیس جمهور چگونه در قبال تحولات بین‌الملل تاثیرگذار بوده است؟ باید گفت که برطبق نظریه شخصیت‌شناسی مارگارت هرمن درصدد تبیین این مسئله هستیم، که باراک اوباما دارای شخصیت تعامل‌گرا و مشارکت‌جو بوده در مقابل دونالد ترامپ شخصیتی منفعت‌محور و اقتدارگرا که با بررسی و تجزیه و تحلیل این دو شخصیت قابل تبیین بوده که باراک اوباما از زمان آغاز زمامداری خود به دنبال افزایش مشارکت جمعی، کنترل منازعات، تعامل با نظام بین‌الملل بوده بازتاب آن را در قبال تحولات جهانی می‌توان مشاهده نمود. که اوباما عزم خود را برای حل بحران سوریه، مناقشه اسرائیل و فلسطین، پایبندی به توافقات جهانی، مدیریت بحران کره، بهبود روابط با شرق آسیا و ... بکار گرفت. در مقابل دونالد ترامپ که باید گفت دارای شخصیتی ماجراجو، قدرت‌طلب بوده و منازعه‌آفرینی جزء ساختار شخصیتی وی بوده همواره به دنبال تنش و بحران‌آفرینی در نظام بین‌الملل بوده، که سیاست وی در قبال بحران‌آفرینی در شرق آسیا، حمایت یکجانبه از اسرائیل، خروج از تعهدات و توافقات جهانی، گسترش دامنه بحران در یمن، تنش با اروپا و مخالفت با سیستم نظام بین‌الملل و ... نمونه این اقدامات می‌باشد.

واژگان کلیدی: منازعه، اوباما، ترامپ، تحولات جهانی، ایالات متحده

^۱ استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی

^۲ دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی runiran73@gmail.com

مقدمه

در بررسی و مقایسه سیاست خارجی باراک اوباما با دونالد ترامپ در قبال نظام بین‌الملل باید گفت که در دوران زمامداری اوباما شاهد رویکرد تعامل‌گرایی و توسعه ارتباطات همه‌جانبه دستگاه سیاست خارجی آمریکا هستیم، ایالات متحده در این دوره خواستار جلوگیری از تنش‌های بین‌المللی و حل‌وفصل به همراه مدیریت تحولات جهانی بود، ولی با روی کار آمدن دونالد ترامپ که با شعار نخست آمریکا بر سر کار آمده است شاهد شکل‌گیری تنش و بحران در سیستم بین‌الملل در رویکردهای دولت کنونی آمریکا هستیم. که باید علت این گرایش متفاوت را در شخصیت این دو مشاهده کرد که در چارچوب الگوی شخصیت‌شناسی مارگارت هرمن مورد بررسی قرار می‌گیرد که برطبق این الگو شخصیت باراک اوباما تعامل‌جو و خواستار مدیریت تحولات بین‌الملل بوده، در مقابل دونالد ترامپ که با شعار نخست آمریکا بر سر کار آمده به دنبال کسب منافع آمریکا از طریق گسترش دامنه بحران‌های بین‌المللی است و تمایلی به مدیریت بحران‌های جهانی ندارد. که در این تحقیق در ابتدا مبانی سیاست فکری ترامپ و اوباما برطبق الگوی شخصیت‌شناسی بررسی، سپس اقدامات آنها در قبال مسائل مهم جهانی همانند، توافق هسته‌ای ایران (برجام)، منازعه اعراب و اسرائیل، درگیری قدرت‌های منطقه در سوریه، تنش در شبه جزیره کره، بحران یمن، نظامی‌گری، جنگ داخلی در عراق و افغانستان و مسائل اتحادیه اروپا و ... مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- چارچوب نظری

بررسی شخصیت عمدتاً از طریق مطالعات گردون‌آلپوت در دانشگاه هاروارد در روانشناسی آمریکا اهمیت یافت. روانشناسان از نظر معرفی شخصیت با یکدیگر تفاوت دارند آنها قبول دارند که شخصیت از واژه لاتین پرسونا مشتق شده است که به ماسک نمایشی اشاره دارد. که هنرپیشه‌ها رومی در تئاترهای یونانی چهره می‌زدند (فیست و جی فیست، ۱۳۸۹: ۱۲). این موضوع به این اشاره دارد که شخصیت هر فردی ماسکی است که بر چهره خود می‌زند تا وجه تمام او از دیگران مشخص شود، شخصیت به همه خصلت‌ها و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که معرف رفتار یک شخص است از جمله این خصلت‌ها می‌توان شامل اندیشه، احساسات ادراکی شخص از خود، وجهه نظرها، طرز تفکر و بسیاری از عادات دانست. در واقع شخصیت در فرایند جامعه‌پذیری به دست می‌آید؛ زیرا انسان در کنش متقابل با دیگران میراث جامعه را در بر می‌گیرد و بر فرهنگ جامعه پیوند می‌خورد (ستوده، ۱۳۹۰: ۵۴).

آپورت روانشناس متخصص شخصیت معتقد است که «شخصیت، عبارت است از سازمان پویا درون خود که این سازمان مشتمل است بر آن دسته از سیستم‌های روانشناسی که رفتار و افکار ویژه انسان را مشخص می‌سازد. او معتقد است که شخصیت نه یک مفهوم کاملاً زیستی است او معتقد است که به بدن فیزیکی انسان بر روی روح و روح متقابلاً بر جسم تاثیر می‌گذارد و سازمان شخصیت شامل عمل متقابل روح و بدن است. هیلگارد در تعریف خود از شخصیت معتقد است که شخصیت الگوی عینی از رفتار و شیوه تفکر است که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰: ۳).

مارگارت هرمن دکتری روانشناسی سیاسی، و دکتری امور جهانی و استاد دانشگاه مکسول آمریکا می‌باشد. که عمدتاً تحقیقات او در مورد رهبران سیاسی، تصمیم‌گیری، سیاست خارجی، مقایسه‌ای و مدیریت بحران اشاره دارد. اما روش کار مارگارت هرمن چیست؟ در واقع ایشان چه چارچوبی را برای بررسی تحلیل شخصیت سیاستمداران و رهبران سیاسی ارائه نموده است. که مارگارت هرمن شخصیت‌شناسی رهبران و تاثیرات آنها به صورت کامل از همه جوانب بررسی کرده است. مارگارت هرمن به بررسی اهمیت رهبران سیاسی در تصمیم‌گیری پرداخت ایشان در مقاله‌ای معروف خود تحت عنوان چه کسی منجر به مسائل می‌شود و اثرات افراد قدرتمند می‌گوید آزمون اینکه چگونه حکومت و احزاب نقش سیاست خارجی را ایفا می‌کند. ابتدا به سه نوع از تصمیم‌گیری اجرا می‌شود رهبران، گروه‌ها و ائتلاف نشان دهنده شده که در گسترش حکومت‌ها و واحدهای مربوط به تصمیم‌گیری افراد بیشترین تاثیرگذاری را دارند (Herman & Perston, 2001: 21). (۱) اعتقاد به کنترل حوادث: رهبرانی که معتقدند می‌توانند در رویدادهای جهان تاثیرگذار باشند بطور کلی بیشتر در فرایند سیاست‌سازی علاقه‌مند هستند می‌خواهند کنترل بر تصمیمات داشته باشند. چنین رهبرانی علاقه‌مند هستند تا زیردستان خود را برای کارها فرا بخوانند و دوست دارند همه را شگفت‌زده کنند و به جنب و جوش علاقه زیادی دارند. در مقابل رهبرانی که کنترل همه امور را ندارند خود کم‌بین هستند بیشتر به واکنش بودن شرایط گرایش دارند. منتظر هستند که ببینند شرایط چگونه پیش می‌رود و سپس اقدام کنند. چنین رهبرانی خواهان مشارکت هستند در اموری که حداقل امکان ۵۰ درصد موقعیت احتمالی وجود داشته باشد (Herman, 1999: 14-15).

(۲) نیاز به قدرت: میل به کنترل و نفوذ یا اثرگذاری بر دیگر اشخاص و گروه‌ها می‌باشد بعضی از اقدامات که منجر به قدرت و نفوذ بیشتر می‌کند شامل: الف: پیشنهاد یا درگیر شدن در یک اقدام سخت و قوی مثل یک حمله یا یورش، تهدید کلامی اتهام و توهین؛ ب: ارائه نصیحت وقتی که ضروری نباشد؛ ج: تمایل تنظیم کردن رفتار گروه‌ها؛ د: تلاش برای مشاجره با دیگران؛ ه: تلاش برای کسب شهرت. بنابراین وقتی نیاز به

قدرت بالا باشد و رهبران تلاش می‌کنند تا محیط را کنترل کنند. و آنها به شدت ماکیاولیست هستند و تمایل زیادی برای قهرمان شدن دارند در حالیکه اگر نیاز به قدرت پایین باشد رهبران نیاز کمتری نسبت به اتهام و هزینه دارند آن می‌تواند یک نفر باشد که دارای حد لازم برای نفوذ باشد. آنها به توانمندی سایر گروه‌ها اهمیت می‌دهند. و کمتر به سمت قدرت‌طلبی می‌روند. آنها مسئولیت‌پذیری را قبول دارند و در اینجا حس همکاری و گروه‌ها در تصمیم‌گیری می‌شوند (Ibid, 17).

۳) اعتماد به نفس: اعتماد به نفس یک احساس خود بزرگ‌بینی را نشان می‌دهد و یک تصور فردی را از توانایی خود برای مواجهه الزامی با موضوعات و اشخاص در محیط می‌باشد در واقع اعتماد به نفس جزئی از سیستم خود است، زمانی که مردم اعتماد به نفس‌شان بالا است چارچوب مرجعی از موقعیت‌های خود در شرایط مختلف دارند. که نمونه آن استفاده از ضمائر من، خودم و ... که در سخنرانی‌ها بکار می‌برند من قصد دارم، من توضیح می‌دهم، که همواره سعی می‌کنند خودشان را بعنوان رهبر نشان دهند که نمونه‌ای از نمایش اعتماد به نفس است. رهبرانی که درجه اعتماد به نفس آنها بالا است در مقابل تحرکات منفی محیط بی‌تفاوت هستند آنها معمولاً بیشتر به آن چیزی هستند که راضی هستند و در جستجوی ارزیابی رفتار خود نیستند و آنها نه قربانی رویدادها هستند و نه مجبوراند که خود را با شرایط محیط تطبیق دهند و اطلاعات را براساس ارزش‌های خود تجزیه و تحلیل می‌کنند. در مقابل که رهبرانی که اعتماد به نفس پایینی دارند خیلی راحت‌تر در مقابل هر بادی دچار لغزش می‌شوند چنین افرادی در محیط به دنبال جمع‌آوری اطلاعات هستند و دیدگاه و نظرات دیگران برای آنان دارای اهمیت بوده است.

۴) پیچیدگی مفهوم ادراکی: درجه‌ای از تفاوت است که یک شخص در توضیح یا بحث کردن با افراد مقامات، سیاست‌ها، ایده‌ها یا چیزهای دیگر نشان می‌دهد با پیچیدگی مفهومی و ادراکی بیشتر شخص می‌تواند دلایل متنوعی برای یک موقعیت خاص نشان دهد که کلماتی همانند احتمالاً، تقریباً، گرایش نشان دهنده ادراک پیچیدگی بالا و قطعاً، بی‌شک نشان دهنده ادراک پیچیدگی پایین است. رهبرانی که دارای ادراک پیچیده بالا هستند آنها بیشتر فکر می‌کنند مسائل خاکستری هستند تا سیاه و سفید و به دنبال تنوع چشم‌اندازها هستند از طریق سازماندهی شرایطی که در آن قرار دارند و زمان زیادی را برای تصمیم‌گیری صرف می‌کنند و تعداد زیادی از بازیگران را برای تصمیم‌گیری دخیل می‌دانند و انعطاف‌پذیری در رفتار آنها مشاهده می‌شود. رهبرانی هم که ادراک پیچیده پایین‌تری دارند و به درک شهروندی خودشان اعتماد می‌کنند اغلب تمایل دارند تا با گزینه اولی که در مقابل آنها قرار می‌گیرد و به صورت ساده تصمیم‌گیری می‌کنند (Ibid, 23).

۵) تمرکز کاری: رهبران در مقابل کارها دارای دو رویکرد هستند یکی گروه‌ها را به سمت تکمیل کار هدایت می‌کنند (حل مشکلات) و دیگری سعی در حفظ شکوفایی و اخلاق گروهی دارد که نشان دهنده برخورد

رهبران در مقابل مسائل پیش روی حکومت است. که برای رهبرانی که بر حل و فصل مشکلات تاکید می‌کنند حرکت (گروه، ملت، حکومت و ...) به سمت هدف جز مقاصد اصلی برای خود رهبر می‌باشد و برای آنهایی که به قوانین گروهی و اخلاق والا معتقد هستند این امر در مرکز کارکردهای رهبر قرار دارد. رهبران دسته اول به دنبال این هستند که گروه همیشه در جهت حل مشکلات بکار ببرند. در مقابل رهبرانی که به دنبال حفظ گروه‌اند به دنبال این هستند که اخلاقیات و روح گروهی تقویت کنند (Ibid, 25).

۶) عدم اعتماد به دیگران: درگیر شدن در یک احساس عمومی، شکاکیت، عدم تساهل، بدفهمی، نگرانی درباره دیگران و عدم اعتماد به انگیزه و عکس‌العمل دیگران همگی نوعی عدم اعتماد را نشان می‌دهد و رهبران با درجه‌ای بالای عدم اعتماد همیشه به انگیزه و فعالیت دیگران بدبین هستند. مخصوصاً کسانی که بعنوان رهبر شناخته می‌شوند. این عدم اعتماد نوعی اختلال را در توسعه مناسب عقلانیت به وجود می‌آورد. که رهبران در این حالت انتقادپذیر نبوده و در مقابل مسائل پاسخگو نیستند و همیشه به دنبال رقابت و درگیری به همراه افزایش قدرت خود هستند. براساس مولفه‌های شخصیت‌شناسی مارگارت هرمن باید گفت که باراک اوباما براساس شخصیت سنجی و مولفه‌های روانشناسی شخصیتی تعامل‌جو و همکاری‌گرایانه داشته که درصدد حل و فصل مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. چراکه، براساس مولفه‌های مارگارت هرمن اوباما دارای شخصیتی مشارکت‌جو و عدم تمایل به قدرت‌طلبی دارد که در تعاملات و همکاری در قبال مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای همانند بحران کره شمالی و بحران شبه جزیره کره اشاره نمود. دیگر اینکه تصمیم‌گیری‌های اوباما در قبال مسائل براساس واقعیت‌های نظام بین‌الملل و شرایط موجود صورت می‌گرفت که به حضور در نشست ۱+۵ در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران اشاره کرد. اوباما همچنین از پیچیدگی ذهنی بالایی در ارتباط با مسائل برخوردار بود. و آن را از زوایای متعدد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌داد تا از طریق گسترش همکاری‌های چندجانبه امور مختلف را مدیریت کند که باید تلاش‌های اوباما در راستای توافق آب و هوای پاریس، ترانس پاسیفیک و ... در این راستا ارزیابی کرد. از طرفی اوباما درصدد تقویت حس همکاری و بهبود چهره ایالات متحده در قبال نظام بین‌الملل بود که نشان دهنده شخصیت خوش بین اوباما و اعتماد متقابل او به توافقات و سندهای همکاری بود و از انعطاف‌پذیری بالای در قبال مسائل برخوردار بوده. که باتوجه به این مولفه‌های شخصیتی باراک اولا شخصیتی تعامل‌گرایانه داشته که درصدد حل و فصل مسائل بین‌المللی بوده و از وقوع بحران همواره جلوگیری نموده و درصدد مدیریت مسائل بین‌المللی برآمده است. در مقابل دونالد ترامپ براساس شخصیت‌شناسی مارگارت هرمن می‌توان به اعتماد به نفس بالای ترامپ اشاره نمود که درصدد برهم زدن ساختارهای نظام بین‌الملل و تقویت قدرت اقتصادی آمریکا اشاره کرد. از طرفی

دیگر حس قدرت‌طلبی در ترامپ موجب شده است که ترامپ از هر حربه‌ای برای رسیدن به قدرت تلاش کند و ماکیاویستی عمل می‌کند و مسائل را تنها از جنبه منفعت‌گرایانه نگاه می‌کند. از طرفی هم ترامپ سعی در نشان دادن خود بعنوان یک شخصیت قهرمان‌گونه و کاریزماتیک در اذعان عمومی مردم آمریکا دارد. ترامپ از لحاظ ادراکی هم حد و مرزی بین مسائل نمی‌بیند و همواره با دیده شک و تردید به امور نگاه می‌کند. و توجهی به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در راستای همکاری و تعامل ندارد. عدم تساهل و تفاهم ویژگی دیگر شخصیتی ترامپ است. شخصیت ترامپ از طرفی دیگر اینکه بیشتر به سمت کارهای انفرادی گرایش دارد و بیشتر خواستار توافقات دوجانبه بوده و کمتر به سمت تعاملات چندجانبه تمایل دارد و همواره به دنبال تفرقه در ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی بوده، بنابراین باید گفت که دونالد ترامپ براساس ویژگی‌های شخصیتی به دنبال ایجاد بحران و گسترش تنش‌های بین‌المللی بوده و تمایلی به مدیریت مسائل بین‌المللی ندارد که سیاست‌های او در قبال دامن زدن به بحران سوریه، حمایت از اسرائیل، تنش با چین، گسترش بحران در شبه جزیره کرده، لغو برجام، گسترش نظامی‌گری و ... قابل مشاهده است.

۲- راهبرد فکری و سیاست خارجی باراک اوباما

۱۲

اوباما برای تقویت الگوی اخلاقی مورد نظرش شکنجه را ممنوع کرد و همچنین متعهد شد به جنبه‌های قانونی فعالیت‌های مربوطه، مبارزه با تروریسم و توازن بخشیدن به فرامین محرمانه و شفافیت فعالیت‌های اطلاعاتی توجه داشت. اوباما مجدداً روی تعهد به پیشرفت منافع آمریکا فراسوی مرزهای خود، امنیت، رفاه و ارزش‌ها و نظم بین‌الملل تاکید می‌کند. اهدافی که او تعیین کرده بود. برای پیشگیری از بی‌ثباتی مجدد در اقتصاد جهان؛ پس‌انداز بیشتر و صادرات بیشتر تشویق بازارهای تازه خارجی بر روی کالا و خدمات آمریکایی و متوقف کردن تهدیدات علیه نظام مالی بین‌الملل و ایجاد همکاری بیشتر باشد. منطق سیاست خارجی اوباما بین‌الملل‌گرایی لیبرال بود براساس این منطق امنیت ملی آمریکا صرفاً موضوع نظامی نیست بلکه منطق سیاست خارجی آمریکا تعامل با کشورهای جهان است (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۷: ۴). تعهدات بین‌المللی اوباما عبارت بود از برقراری و ایجاد تحول در نظام بین‌المللی، نظام تجارت آزاد و پایبندی به تعهدات بین‌المللی بود (بیک، ۱۳۹۷: ۱۸). در راهبرد کلی اوباما پذیرفت که تروریسم بین‌المللی تهدیدی برای آمریکاست و از سیاست‌های جنگ با تروریسم بوش کمی فاصله گرفت و لکن رویکرد چندجانبه‌گرایی را در دیپلماسی خود قرار داد و دوم اینکه اوباما پذیرفت که تنها آمریکا ابرقدرت در یک نظام تک‌قطبی نیست و به همین دلیل بار مسئولیت رهبری آمریکا در برابر چالش‌های نوظهور جهانی همانند چین و روسیه سرشکن

شود که نشان دهنده چندجانبه‌گرایی در رفتار آمریکا است سوم اوباما به گرایش‌های لیبرالیستی علاقه بیشتری دارد تاکید وی بر تجارت آزاد، دولت رفاه و دولت قدرتمند در داخل نشان دهنده تعامل در سیاست خارجی این کشور است. اوباما در سفر خود به مصر در ۴ ژوئن ۲۰۰۹ که در آن اوباما بر نقش مسلمانان جهان در جامعه داشت. همچنین اهمیت مسئله خاورمیانه را برای جهان عرب و دیگران مورد تایید قرار داد. او گفت: فقدان صلح میان اسرائیل و فلسطین مانع همکاری در زمینه‌های بیشتر و مانع امنیت پایدار مردم در منطقه و همچنین ایالات متحده است. و بعد از آن در سفر به عربستان سعودی در دیدار با ملک عبدالله درباره مسائل مهمی از جمله صلح خاورمیانه ایران و تروریسم به بحث و گفتگو پرداخته شد. اوباما در نخستین دیدار خود از خاورمیانه از ترکیه بازدید نمود که محورهای سیاست خود را در منطقه خاورمیانه مشخص نمود که شامل تهدیدات مشترک، بحران اقتصادی و تروریسم علیه آمریکا و لازمه همکاری در مقابل این تهدیدات است به عبارتی نفی یکجانبه‌گرایی آمریکا بود (واعظی، ۱۳۹۱: ۲۶).

۲-۱- تلاش در جهت ایجاد صلح میان اسرائیل و فلسطین

اوباما در سال ۲۰۰۸ با آغاز بکار در مسئله اسرائیل، صلح اعراب و اسرائیل، حمایت از اسرائیل را به حاشیه برد بگونه‌ای که جایگاه اسرائیل از شریک حیاتی به متحد کلیدی و بعد به متحد مهم تبدیل شد که زمینه^{۱۳} نارضایتی اسرائیل را فراهم آورد. موضوع فلسطین از مباحث محوری در سیاست خارجی اوباما بوده است اوباما تلاش کرد تا با مخلوط کردن خواسته‌های اسرائیل راه حلی برای کشمکش‌های اسرائیل و فلسطین پیدا کند اوباما تبیین رویکرد جدید خود نسبت به موضوع صلح اعراب و اسرائیل را بیان می‌کند افق‌های جدیدی برای از سرگیری مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطین گشوده است (دهشیری، ۱۳۹۴: ۱۸۳). در مجموع باید بیان داشت نظم جدید موردنظر حاکم بر خاورمیانه در تلاش است تا با کمک قدرت‌های منطقه‌ای بطور موازی از قدرت گرفتن بیش از یک نفر و تضعیف دیگری جلوگیری نماید. و از این طرف اهداف سیاسی و اقتصادی خود در این منطقه دنبال کنند عملکرد تیم اوباما نشان داده است که دولت آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما در منازعه اسرائیل و فلسطین فعالانه‌تر از دولت بوش عمل کند و در مسیر سازش بین اسرائیل و فلسطین اقدامی گسترده انجام دهد (کنگوری و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

۲-۲- بهبود روابط با کوبا

رائول کاسترو رئیس جمهور کوبا در دسامبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که دو کشور روابط جدیدی را آغاز کرده‌اند اوباما دستور داد محدودیت‌های اعمالی علیه کوبا در زمینه سفر و ارسال پول به این کشور را صادر نمود و

تحریم‌های که در زمان جرج بوش علیه این کشور وضع شده بود برداشته شد. و از سرگیری مناسبات اقتصادی و سیاسی در روابط دو کشور از سر گرفته شد (www.irdiplomacy.ir). در آوریل ۲۰۱۵ کاسترو و اوباما در پاناما با یکدیگر دیدار کردند و حدود ۹ نشست مخفی بین نمایندگان آمریکا و کوبا اجرا شد. روسای جمهور دو کشور از عادی‌سازی روابط دو کشور و از سرگیری تبادلات را در دستور کار خود قرار دادند که کوبا از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج شد و سفارتخانه‌های دو کشور باز گشایی شد و در ۲۰ می ۲۰۱۶ بعنوان نخستین رئیس جمهور آمریکا از هاوانا دیدار کرد. که این اقدام اوباما موجب بهبود چهره آمریکا در مجامع و سازمان‌های آمریکا لاتین شد و توجه و حمایت افکار عمومی در منطقه را به خود جلب نمود (بیات و اسلامی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). از طرفی هم با بکارگیری مناسبات اقتصادی محل مناسبی را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های تجاری و حضور سرمایه‌گذاران فراهم نموده که این عادی‌سازی روابط به نفع دو طرف تمام شد.

۳-۲- مدیریت بحران کره

در سال ۲۰۰۹ با روی کار آمدن اوباما تمایل دولت آمریکا در این دوره ایجاد کانال‌های دیپلماتیک برای گفتگو بود و به دنبال فضا فرستادن ماهواره «برای مقاصد صلح‌آمیز» در ۵ آوریل ۲۰۰۹ سریعاً فروکش کرد. اوباما در پراگ طرح ابتکار عمل خود را مبنی بر خلاص شدن جهان از شر سلاح‌های هسته‌ای اعلام داشت. در رابطه با بحران کره شمالی در ابتدا اوباما اعلام داشت که سیاست آمریکا در رابطه با فشار همچنان باقی است و مذاکرات شش‌جانبه با کره شمالی در چارچوب توافقات قبلی و پایبند بودن کره شمالی به توافقات قبلی انجام می‌گیرد. و تلاش اوباما از طریق بکارگیری بحران است (Martine, 2010: 204-205). رفع تهدید سنتی در چارچوب راهبرد امنیتی آمریکا در شرق یعنی محدودسازی و قطع ارتباط و حمایت مالی از کره شمالی بعنوان شاخص اقدامات آمریکا در دوران اوباما ادامه داشت اما موضوع مهم این است که سیاست کنترل و محدودسازی کره شمالی را به دولت کره جنوبی واگذار نمود (www.irdiplomacy.ir).

۴-۲- مدیریت بحران سوریه

در سال ۲۰۱۱ دولت اوباما در بحبوحه اعتراضات متأثر از بهار عربی در سوریه خواهان کناره‌گیری بشار اسد شد درخواست دولت اوباما تا این حد بود که اگر دولت سوریه پابرجا بماند ممکن است در مقابل مخالفان به قدرت نظامی متوسل شود و کاهش عملیات‌های نظامی در سوریه را در اولویت قرار دهد و در تلاش است که با حمایت از گروه‌های مخالف به مقابله با تروریسم بپردازد و مقامات دولت اوباما تاکید داشته که این منازعه راهکار نظامی ندارد. از سال ۲۰۱۲ دولت سوریه و مخالفان آن در مذاکراتی با وساطت سازمان ملل در چارچوب اعلامیه ژنو شرکت نموده و با حمایت آمریکا و روسیه خواهان تشکیل یک دولت انتقالی با قدرت

اجرائی کامل شدند. براساس این سند این حکومت می‌تواند شامل اعضای دولت کنونی و مخالفین سایر گروه‌ها باشد که برمبنای رضایت طرفین تشکیل شود (مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۷: ۲۶). ایالات متحده بزرگترین اهدا کننده کمک‌های بشردوستانه به بحران سوریه بود که اوباما از سال ۲۰۱۲ تقریباً حدود ۶/۷ میلیارد دلار را به امورات بشردوستانه در جنگ سوریه با استفاده از اعتبارات جهانی بشردوستانه و برنامه‌ریزی مجدد بودجه‌ها اختصاص داده شده است. درخصوص حل‌وفصل بحران سوریه جان کری وزیر امور خارجه آمریکا به همراه سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه در مه ۲۰۱۳ بر سر میز مذاکره برای حل‌وفصل بحران سوریه و تروریسم در سوریه آغاز شد. رویکرد آمریکا در ارتباط با تحولات منطقه براساس جلوه‌های از مدیریت بحران شکل گرفته است یعنی اینکه آمریکا در شرایط غافل‌گیر کننده سیاسی و منطقه‌ای واقع شده است. و برای عبور از چنین شرایطی از الگوی مدیریت بحران استفاده کرده است. و سیاست خود را در قبال این تحولات بر چند محور قرار داد که شامل: (۱) حمایت از شکل‌گیری دولت سکولار و لیبرال؛ (۲) جلوگیری از الگوی انقلاب اسلامی؛ (۳) حفظ امنیت اسرائیل، دابلیو پترسون معاون وزیر خارجه آمریکا در امور نزدیک در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا جزئیات راهبردی سوریه را اینگونه تشریح می‌کند که ما با هماهنگی با متحدان و شرکای خود اکنون به شکل بهتری در حال سازماندهی برای برخورد با چالش فزاینده جنگجویان افراطی در مقابله با ورود و خروج این جنگجویان در سوریه هستیم. ما از ابزارها و تاکتیک‌ها به بهترین شکل برای کاهش تهدیدات احتمالی و تقویت خطوط همکاری استفاده می‌کنیم. در بحران سوریه سیاست خارجی آمریکا برمبنای عدم دخالت نظامی و حمایت از گروه‌های معارض قرار گرفته است. بارها دولت اوباما از بشار اسد درخواست نمود تا قدرت را به مردم واگذار نماید و سلاح‌های شیمیایی در سوریه را ممنوع کرد. اوباما با پوتین توافق نمود سلاح‌های شیمیایی را از سوریه خارج کند. مقامات دولت اوباما بر این اصل تاکید داشتند که محدودیت‌های مرزی، درگیری مداوم و خطرات ناشی از گروه‌های افراط‌گرا مانع از تلاش‌های آمریکا برای تحویل کمک‌های امنیتی و غیره در داخل سوریه است. کنگره در سال ۲۰۱۴ مجوز برنامه آموزشی و تجهیزات نیروهای سوری واجد شرایط و صلاحیت را برای اهداف مشخص شده از جمله حمایت از تلاش‌های آمریکا در جهت مقابله با سازمان‌های تروریستی و فراهم ساختن شرایط برای مذاکره در جنگ سوریه فراهم نموده، تسلیحات و مهمات در اختیار نیروهای دموکراتیک در جهت مقابله با گروهک داعش صورت گرفت که جزء مهمترین اقدامات اوباما بود که به مواضع داعش حمله نمود و در جلسه شورای امنیت با رهبری آمریکا از نهادهای مختلف و کشورها در جهت همکاری علیه داعش دعوت به عمل آورد (www.afghanirca.ir).

۲-۵- بهبود روابط با شرق آسیا

به گفته گری سیک سیاست خارجی اوباما بازتعریفی از سیاست ایالات متحده مبتنی بر حداقل‌گرایی و تمایل به چندجانبه‌گرایی در مواقع لازم و خودمحمور است. در دوره اوباما علاوه بر حضور نظامی در آسیا و گسترش اتحادهای رسمی با کشورهای آسیایی تاکید می‌کند که بر گسترش روابط با ژاپن، کره، تایلند، فیلیپین و استرالیا تاکید داشته و در بعد اقتصادی تقویت راهبرد محور آسیایی، تقویت همکاری، ترانس پاسیفیک و تجارت آزاد منطقه آسیا تشکیل شد (Sick, 2014: 5). اوباما خواستار مدیریت رهبری‌گونه بر چین بود نه «سلطه‌گری» و تلاش کرد این منطقه مهم و حیاتی را به صورت مکمل و نه مستقل از آمریکا بکار گیرد. ظرفیت‌سازی‌های نوین منطقه عامل جلوگیری از شکل‌گیری «پان آسیائیسیم» ضد آمریکائی خواهد شد که با استفاده از رویکردهای چندجانبه‌گرایانه و ظرفیت‌سازی‌های منطقه‌ای آن را مدیریت نموده است و از وقوع بحران جلوگیری نموده است (قریب، ۱۳۹۰: ۱۶۳). همچنین هوجین تائو رئیس جمهور سابق چین در ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱ به آمریکا سفر کرد که نشان دهنده تعامل سطح بالا در روابط دو کشور مهمترین دیدار روسای دو کشور از زمان بازدید دنگ شیائوپینگ از آمریکا در سال ۱۹۷۹ بود (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۹۵).

۲-۶- دولت‌سازی در عراق ۱۶

باتوجه به گسترش هزینه‌های نیروهای نظامی آمریکا در عراق و افغانستان که بر دوش مالیات دهندگان آمریکا قرار داشت مخالفت افکار عمومی را به دنبال داشته است. که بر عدم درگیری ایالات متحده در منازعات خاورمیانه و کنترل و مدیریت اوضاع بطور مستقیم و غیرمستقیم از طریق قدرت نرم و هوشمند تاکید شده است (روحی دهنه، ۱۳۹۶: ۹۵). مناسبات نظامی-امنیتی عراق و آمریکا جدا از تحولات عراق متأثر از رویکرد و نگرش و ریاست زمامداران آمریکا است پیروزی اوباما در انتخابات ۲۰۰۸ که با شعار تغییر وارد مبارزات انتخاباتی شد و به دنبال منافع ایالات متحده است. اوباما با هدف تغییر در سیاست آمریکا روی کار آمد. اوباما حمله آمریکا به عراق را انحراف در سیاست مبارزه این کشور با تروریسم می‌داند که با بیرون آوردن نیروهای آمریکایی از عراق و تقویت مبارزه با تروریسم در افغانستان و پاکستان پایان یابد. چراکه اوباما معتقد است سیاست نومحافظه‌کاران در سیاست خارجی ضربه سنگینی به اعتماد آمریکا در جهان وارد کرده و آمریکا نیازمند بازسازی و اعتماد است (Rondall, 2008: 11). اوباما در نخستین اقدام تلاش نمود که نیروهای آمریکا را از عراق خارج کند و هزینه‌های آمریکا را به نسبت قابل توجهی پدید آورد و از طرف دیگر مشارکت طیف گسترده از کشورهای بین‌المللی و منطقه‌ای در سرنوشت عراق ایجاد کند اوباما در نخستین دیدار از خاورمیانه از ترکیه بازدید نمود که محورهای سیاست خود را در منطقه خاورمیانه مشخص نمود که عامل

تهدیدات مشترک، بحران اقتصادی و تروریسم علیه آمریکا و ترکیه و لازم همکاری در مقابل این تهدیدات به عبارت دیگر نفی یکجانبه‌گرایی آمریکا بود. رویکرد دولت اوباما در عراق رویکرد کمتر نظامی و بیشتر چندجانبه‌گرایانه است و بر حقوق بشر و دموکراسی تاکید دارد. و حل بحران را از طریق جنبه نرم‌افزارانه و لیبرالی می‌داند. اوباما در مورد بحران عراق از راهکارهای نظامی کمتر استفاده نمود و سعی دارد از طریق عوامل داخلی عراق را بهبود ببخشد و در این راستا مشارکت با دولت عراق را در پیش گرفت (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۶۶). دولت اوباما در تلاش است با آموزش نیروهای عراقی هزینه و بار امنیتی بر دوش دولت آمریکا کاهش دهد و بحران دولت عراق را کنترل کرده و به بازسازی سیاست‌های آمریکا در جهان بپردازد (یزدان فام، ۱۳۹۷: ۱۶۱). اوباما یک سال قبل از ریاست جمهوری و پیروزی در انتخابات در مقاله‌ای که در مجله فارین افراز چاپ شد می‌نویسد «که حمله به عراق و زندان ابوغریب باعث شده است که جهان اعتمادش را به اهداف و اصول ما از دست بدهد». در دستورکار سیاست خارجی اوباما اتخاذ یک رویکرد یکپارچه جهت گسترش گفتمان دیپلماسی عمومی آمریکا به سایر مناطق و حوزه‌ها با هدف ایجاد تعامل با مخاطبان و ضرورت هماهنگ ساختن ساختارهای درونی، استفاده از پرسنل مجرب افزایش تعدد برنامه‌ها و افزایش بودجه-ها از مهمترین پیشنهادات این نشست بود. همچنین در سند دیگری با عنوان شیوه در حال تغییر مسیر تازه‌ای برای روابط ایالات متحده با جهان اسلام که از سوی رهبران ۳۴ گروه مذهبی از جمله «گروه مسلمانان آمریکایی» در سپتامبر ۲۰۰۸ منتشر شد (آدمی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۰). که از جمله اقدامات اوباما در جهت برقراری صلح در عراق می‌توان گفت حمله به مواضع داعش بود که آنها را تهدید اصلی خاورمیانه و منافع آمریکا می‌دانست. و آمریکا درصدد رهبری ائتلافی جدیدی در حمله به مواضع داعش و از بین بردن تهدیدات آن می‌دانست. در جلسه شورای امنیت که با رهبری آمریکا و نهادها و کشورهای بین‌المللی تشکیل شد خواستار حمایت آنها در مبارزه با داعش بود.

۱۷

۲-۷- بهبود روابط با اروپا

با روی کار آمدن دولت باراک اوباما بسیاری از اقدامات و پیشرفت‌های اروپا به گرمی مورد استقبال قرار گرفت و محبوبیت و فرصت‌های را برای آمریکا پدید آورد. و حل‌وفصل مسئله اعراب و اسرائیل و بسته شدن زندان گوانتانامو موجب استقبال اروپائیان شد. براساس سند استراتژی امنیت ملی اوباما هدف آمریکا را تقویت نهادها و گسترش نهادهای همکاری جویانه اعلام کرد براساس سند استراتژی امنیت ملی اوباما سنگ بنای تعامل ارتباط نزدیک با دوستان و متحدان آمریکا اعلام کرد و به ویژه مبارزه با تروریسم که سعی نمود روابط جدیدی با اتحادیه اروپا بازخوانی کند.

۲-۸- برقراری امنیت در افغانستان

کنفرانس لاهه که در هلند با حضور بیش از ۷۰ کشور در افغانستان شکل گرفت که اوپاما در این راستا افزایش تعداد نیروها را در دستور کار قرار داد که ۱۷ هزار نیرو جهت برقراری امنیت به داخل خاک افغانستان وارد کند و یکی از مهمترین راهبردهای دولت اوپاما افزایش همکاری‌های منطقه‌ای است و برخلاف سیاست‌های گذشته دولت آمریکا بازگشت ثبات به افغانستان را در گرو همکاری‌های منطقه‌ای می‌داند. از اقدامات اوپاما می‌توان در کاهش بحران در افغانستان تلاش در جهت حمایت مالی و کمک به پاکستان جهت ریشه‌کن نمودن تروریسم که از جانب این کشور حمایت می‌شدند (شفیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۵). ریچارد هالبروک در تاریخ ۵ می ۲۰۰۹ در گزارش خود اذعان داشت که پاکستان امن و دموکرات برای تامین منافع حیاتی آمریکا ضروری است. هالبروک اعلام داشت که هدف دولت اوپاما متلاشی ساختن و شکست القاعده است و از بین بردن مکان و جایگاه تروریست‌ها است. که نشان دهنده تاکید بر حضور و روی کار آمدن یک دولت قوی در پاکستان و حل بحران افغانستان است (سبحانی، ۱۳۹۱: ۷۳۲). اوپاما اعلام نموده است که جنگ‌های پرهزینه در عراق و افغانستان کناره‌گیری نموده‌ایم و اقدامات آمریکا شامل جلوگیری از زمینه‌های رشد تروریسم و افراط‌گرایی بود که عواملی همانند فقر، نابرابری و سرکوب باید از بین برود و ارتش آمریکا همواره در راستای آموزش نیروهای نظامی نیروهای نظامی در افغانستان اقدام نموده، چراکه مسئولیت برقراری امنیت مردم افغانستان در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته بود (پورا احمدی، ۱۳۹۳: ۱۹۴). استراتژی دولت اوپاما براساس این بود که بر مشکلات و سیاست‌های اجرایی و تنبیهی و تشویقی ایالات متحده به سمت کاهش حمایت از طالبان و وادار کردن آنها غلبه کند به سمت مذاکره بود.

۱۸

۳- منازعه در سامانه فکری ترامپ

روی کار آمدن دولت جمهوری‌خواه جدید در ایالات متحده که با هدف بازسازی اقتصاد آمریکا و گسترش قدرت این کشور راهبرد خود را مشخص نموده، در پیاده‌سازی سیاست‌های اجرایی آن قابل مشاهده است و عده داد نقش، منافع و اهداف این کشور را در خصوص نهادها و ترتیبات بین‌المللی بازتعریف کند. او درصد ارتقای موقعیت آمریکا است ولی برای تعامل با متحدان اصلی، کسب منافع و همکاری با دولت‌های دیگر راهکار مناسبی ندارد. همچنین دولت‌های بوش و اوپاما را مورد انتقاد قرار داده که ایالات متحده را با هزینه‌های زیادی مواجه کرده‌اند و میزان بدهی‌های آمریکا به ۳۲ هزار میلیارد رسیده است که بعنوان میراث آمریکا باقی مانده است. که جزء شکست نتایجی برای آمریکا همراه نداشته است که اعلام نموده درصد بازگرداندن قدرت از دست رفته آمریکا است.

زلمای خلیل‌زاد در تحلیلی اعلام داشت که از سال ۱۹۹۲ به این با وجود اختلاف عقیده همه بر سر یک موضوع خاص توافق داشتند. که ساختار پس از جنگ آمریکا حفظ شود و رهبری آمریکا به صورت گزینشی به بحران‌های جهانی پاسخ دهد. و صلح میان قدرت‌های بزرگ را حفظ کند اما ترامپ بسیاری از اصول و دیگر مفروضات سیاست خارجی آمریکا را به چالش می‌کشد. و دستاوردهای آن را چیزی جزء شکست نمی‌داند. که این تفاوت را تحت عنوان دیپلماسی جدید یاد می‌کند. دکترینی که دنبال فاصله گرفتن از ساختارهای موجود در ۵ مسئله اساسی شامل اهداف ایالات متحده، مبارزه با تروریسم، ترویج دموکراسی و ملت‌سازی و بحث مهاجرت و روابط با قدرت‌های جهانی است. اصل دوم در سیاست خارجی دونالد ترامپ تضمین صلح و امنیت از طریق اعمال قدرت است دونالد ترامپ در یک سال گذشته در این اصل بعنوان ارگان سیاست خارجی اشاره کرد و با اشاره به افزایش بودجه دفاعی آمریکا به نظر می‌رسد اصل «دستیابی به صلح از طریق اعمال قدرت» مبتنی بر رویکرد رئالیستی است به این معنا که او رویکردی را در پیش گرفته که مبتنی بر محور اعمال قدرت در صحنه بین‌المللی است و باید قدرت دفاعی، نظامی، موشکی، هسته‌ای و سایبری آمریکا تقویت شود.

۳-۱- تنش با سیستم نظام بین‌الملل

در زمینه اهداف ایالات متحده آمریکا، ترامپ شعار اول آمریکا را مطرح شد. از نظر زلمای خلیل‌زاد ترامپ با شعار نخست آمریکا در واقع به سیستم جهانی شدن اعتراض می‌کند. و جهانی شدن را بیشتر از منظر اقتصاد بین‌الملل مورد انتقاد قرار می‌دهد و برخلاف روسای جمهور قبلی که بر تجارت آزاد تاکید داشته است. ترامپ بازی را برد باخت دانسته است. که در همین راستا توافقنامه‌های بین‌المللی را لغو اعلام نموده است. اساس برنامه ترامپ اولویت دادن به منافع آمریکاست و در مقایسه با روسای جمهور قبلی آمریکا که موضوعاتی مانند چندجانبه‌گرایی، جزئیات اپیدمی، قدرت هوشمند و تغییرات آب و هوایی را مورد توجه قرار داده است و ایالات متحده را متحد به حمایت از باز کردن جوامع و ایجاد دموکراسی می‌داند. خطوط اصلی و بنیادین رویکرد سیاست خارجی بر کناره‌گیری آمریکا از گسترش صلح و ترویج دموکراسی رفاه امنیت و گسترش نفوذ واشنگتن می‌داند که در این راستا می‌توان به اقدامات او در این زمینه اشاره کرد:

۳-۱-۱- خروج از توافق آب‌وهوای پاریس

توافقنامه آب‌وهوای پاریس که در سال ۲۰۱۵ توسط ایالات متحده، آلمان، روسیه و چین به امضا رساندند. که این توافق در راستای جلوگیری از گرم‌تر شدن کره زمین و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به توافق

رسیدند. ولی باروی کار آمدن دونالد ترامپ مخالفت خود را با این پیمان اعلام کرده است. و اعلام داشته که کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی به ضرر آمریکا خواهد بود. و این توافقنامه به نفع سایر کشورها است نه آمریکا، چون که این سند مسئولیت مالی سنگینی برعهده آمریکا گذاشته است. و از لحاظ صنعتی موجب کاهش قدرت اقتصادی آمریکا می‌شود که با اجرای شدن تعهدات این توافقنامه موجب از دست رفتن ۲,۷ میلیون شغل تا سال ۲۰۲۵ و از دست رفتن ۴۴۰ هزار شغل در داخل کشور می‌شود. آمریکا احتیاجی به این توافقنامه ندارد، ایالات متحده حدود ۱ میلیارد دلار به برنامه آب‌وهوایی سبز کمک کرده است. این درحالیست که هیچ کشوری به این میزان کمک نکرده است (www.tasnimnews.com).

۳-۱-۲- ترامپ، خروج از ترانس پاسیفیک

پیمان تجارت آزاد ترانس پاسیفیک که در دوره باراک اوباما به امضا رسید میان چین و کشورهای گسترش بازارهای بین‌المللی شده بود. با سیاست‌های دولت ترامپ که ضد جهانی شدن می‌باشد در تضاد است از جنوب شرق آسیا که زمینه شکل‌گیری یک منطقه تجاری را فراهم آورده بود و موجب تبادلات و دیدگاه ترامپ این پیمان یک توافقنامه تجاری موجب خروج سرمایه‌های آمریکا به خارج، از دست رفتن فرصت‌های شغلی در داخل و در نهایت پیشرفت کشورهای رقیب آمریکا همچون چین را در برداشته است. و با حذف موانع گمرکی و وارداتی به سود شرکای آمریکا بوده که موجب تقویت اقتصادی این کشورها و کاهش رشد و رونق آمریکا را در مقابل شاهد هستیم (www.mehrnews.com).

۳-۱-۳- خروج از پیمان نفتا

ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۹۴ با اجرای پیمان نفتا منطقه تجارت آزاد با کشورهای مکزیک و کانادا اجراء نمود. که زمینه تجارت آزاد در منطقه را فراهم نمود و موجب گسترش مبادلات تجاری سه کشور شد، که موجب حضور گسترده کارگران و تکنسین‌های مکزیک و کانادا در ایالات متحده شده بود. ولی با روی کار آمدن دولت جمهوری خواه در سال ۲۰۱۶ که بر افزایش قدرت اقتصادی آمریکا و حمایت از تولید داخلی آمریکا تاکید دارد. پیمان نفتا را بعنوان یکی از عوامل به هدر رفتن سرمایه‌های آمریکا می‌داند ملی‌گرایان اقتصادی در آمریکا معتقدند که با اجرای پیمان نفتا از سال ۱۹۹۴ صدها میلیارد دلار از سرمایه‌های آمریکای به کانادا و مکزیک منتقل شده و صدها هزار شغل در آمریکا از بین رفته است. همچنین تأکید دارند به دلیل هزینه‌های پایین تولید به ویژه در مکزیک، کالاهای ساخته شده در این کشور با قیمت پایین‌تر در اختیار مصرف‌کنندگان آمریکایی قرار می‌گیرد که در نهایت باعث افت تولید در آمریکا، افزایش میزان بیکاری در این کشور و از همه مهمتر ایجاد کسری تراز بازرگانی با کانادا و مکزیک می‌شود. و در حال حاضر، مکزیک

بعنوان کشور در حال توسعه ۶۰ میلیارد دلار مازاد تجاری با آمریکا بعنوان قدرتمندترین اقتصاد جهان دارد؛ موضوعی که خشم ملی‌گرایان آمریکایی را برانگیخته است.

۳-۲- خروج از برجام

دونالد ترامپ از زمان انتخابات به تهدید ناشی از جانب ایران تاکید داشت و اصلی‌ترین مخالف ترامپ بود و همواره تیم دولت ترامپ تلاش نموده است. تا با احیای سیاست ایران‌هراسی تهدید ایران را جدی کند بعنوان مثال جیمز ماتیس وزیر دفاع آمریکا در آوریل سال ۲۰۱۷ در دیدار از عربستان در این رابطه گفت «هرجا در منطقه‌ای خاورمیانه که در آن مشکل وجود دارد پای ایران در میان است (Express, 2017: 20). سیاست دونالد ترامپ از زمان کارزارهای انتخاباتی او شکل گرفته بود. که دارای کنش‌های معناداری در قبال ایران بود. انتقاد از سیاست‌های باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی، لغو برجام و اعمال محدودیت‌های مهاجرتی علیه ایران از همان آغاز بیانگر چهره ضدایرانی ترامپ بود. و در کابینه ترامپ چهره‌های ضد ایرانی زیادی وجود دارد که دارای رویکردهای ضدایرانی هستند. همانند رکس تیلسون، مایکل پمپئو و ... چهره‌های جنگ طلب و مخالف سیاست‌های ایران در منطقه هستند. توافقنامه هسته‌ای ایران و ۵+۱ که در سال ۲۰۱۵ منعقد شد در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما تحت عنوان برجام موجب حل و فصل منازعات از طریق دیپلماسی و مذاکره شد ولی با روی کار آمدن دونالد ترامپ که در دوران مبارزات انتخاباتی برجام را موجب هدر رفتن هزینه‌های آمریکا می‌دانست و با نگاهی ابرازی به این توافقنامه نگاه می‌کرد. که آمریکا حدود ۱۵ میلیارد دلار هزینه نموده است و در مقابل چیزی به دست نیآورده است. و سیاست اوباما را به شدت اشتباه اعلام نمود که حاصل آن یک «توافقنامه بد» بوده است. پس از عهده‌دار شدن مدیریت دولت آمریکا در سال ۲۰۱۸ به یکباره برجام را باطل اعلام نمود و از آن خارج شد که در اینجا باید گفت خروج یکجانبه آمریکا نشان دهنده عدم توجه به دیپلماسی عمومی، مذاکره و حقوق بین‌الملل است. چراکه ایران مفاد برجام را قبول داشته و به آن پایبند بوده است و از طرفی ترامپ اعلام نموده که خواستار مذاکره دوباره با دولت جمهوری اسلامی است ولی اقدامات متناقض او همانند تحریم وزیران امور خارجه ایران که این خود برخلاف عرف دیپلماتیک بوده، نشان دهنده آشفتگی و سردرگمی دستگاه دیپلماسی آمریکا است.

۱- بازنمایی چهره آشوبگر از ایران: ترامپ تلاش زیادی در راستای نشان دادن ایران بعنوان یک کشور برهم زننده معادلات نظم جهانی انجام داده است که در سخنرانی خود علیه ایران تلاش نمود جمهوری اسلامی را بعنوان مصوب خرابکاری‌های و تنش‌ها در مورد منطقه خاورمیانه معرفی نموده و همواره رژیم موردنظر ایران

را به همکاری با کره شمالی، تنش در منطقه، حمایت از تروریسم و تهدیدات موشکی علیه دیگران، توسعه-طلبی، حملات سایبری در فضای مجازی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای معرفی کرده است.

۲- امنیتی کردن ایران: ترامپ سعی دارد که حمایت بین‌المللی را علیه ایران بعنوان یک بازیگر آشوبگر در منطقه کند و به دنبال نشان دادن ایران بعنوان کشور حامی تروریسم در جهت از بین بردن تبادلات نظام جهانی با ایران است (یزدان فام، ۱۳۹۷: ۱۸۳). باید گفت که باتوجه به حضور ایران در منطقه و گسترش نفوذ آن پس از توافق ۱+۵ ترس دولت ترامپ از ایران بیشتر شده که موجب تهدید امنیتی در چارچوب فکری ترامپ و خروج از برجام شده است (سوری، ۱۳۹۷: ۲). آمریکا درصدد نشان دادن جمهوری اسلامی بعنوان سرچشمه ناامنی بعنوان یک دشمن که درصدد تهدید متحدان استراتژیک این کشور است درصدد مهار برنامه هسته‌ای ایران برآمده که در جهت افزایش نفوذ متحد سابق در منطقه یعنی اسرائیل ضروری است.

۳-۳- تنش با سوریه

ترامپ درخصوص اهداف خود در سوریه اعلام نمود که هدف از میان بردن تروریسم است و در ابتدا از بشار اسد، ایران و روسیه حمایت نمود ولی اکنون ترامپ مخالف دولت بشار اسد است. بررسی‌ها نشان داده است که رفتار ترامپ برآمده از چند عامل است و در ابتدا حفظ امنیت اسرائیل و تضعیف سوریه و درگیر نمودن آن در بحران قضیه فلسطین و اسرائیل در حاشیه قرار بگیرد. و براندازی بشار اسد موجب کاهش نفوذ ایران و سوریه در منطقه شده، که باید گفت تداوم بحران هدف ترامپ است (ربیعی، ۱۳۹۷: ۶). کاروان جدید تسلیحات ایالات متحده با عبور از پایانه‌های مرزی سیمالکا از شمال شرق حسکه وارد سوریه و در شهر المالکیه به تجزیه‌طلبان تحویل داده شد ترامپ در ۶ آوریل ۲۰۱۷ دستور حمله موشکی به پایگاه الشعیرات سوریه در پاسخ به حمله شیمیایی به خان شیخون را صادر کرد که عنوان نمود این حمله در راستای منافع ایالات متحده و امنیت ملی این کشور صورت گرفته تا از گسترش سلاح‌های شیمیایی در سوریه جلوگیری کند. پرسنل نظامی آمریکا همچنان در شمال شهر منج سوریه عملیات داشته و در سال ۲۰۱۶ نیروهای تحت حمایت ایالات متحده یک گذرگاه را در نزدیکی پایگاه التف تاسیس نمود که آمریکا هدف خود را حضور در این منطقه و مقابله با دولت اسلامی داعش عنوان کرده است. این در حالیست که نیروهای آمریکای چندین بار شبه نظامیان دولت سوریه را مورد هدف قرار داده و چندین بمبافکن سوری را مورد هدف قرار داده‌اند.

استفاده مجدد از سلاح‌های شیمیایی در استان خان شیخون و ادلبه موجب کشته و زخمی شدن صدها نفر شد و از بازرسی مناطق توسط نهادهای بین‌المللی جلوگیری به عمل آمد و ترامپ انگشت اتهام را به سمت روسیه با سوریه دراز نمود. دولت ترامپ از ناوگان دریای خود در دریای مدیترانه ۵۹ موشک ناماهاواک به

پایگاه‌های سوریه در حومه شهر حمص پرتاب نمود که باعث تخریب این پایگاه و کشته شدن چندین نفر گردید (ساجدی، ۱۳۹۶: ۸۵). هدف آمریکا از طولانی کردن بحران سوریه کشاندن این کشور به یک جنگ فرسایشی و نابودی زیرساخت‌های سوریه و تضعیف قدرت نظامی آن در برابر اسرائیل می‌باشد و با حمله شیمیایی به این کشور درصدد نشان دادن آمریکا بعنوان یک مقام مدیریت کننده است. و کشته شدن بیش از ۴۰ هزار نفر و آواره شدن میلیون‌ها نفر نشان دهنده این است که حقوق بشر در سوریه چندان مورد توجه نبوده است و ترامپ قصد دارد بحران همچنان ادامه داشته باشد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۶۳). دولت جدید آمریکا از احتمال ایجاد مناطق امن در سوریه صحبت کرد اما دولت او تا به امروز به صورت علنی مشخص کرد که این طرح شامل چه اقداماتی است و نشانه‌های آشکار برحسب قریب‌الوقوع بودن این پیگیری به چشم نمی‌خورد که اقدامات نظامی گرایانه آمریکا در منطقه خلاف این ادعا را ثابت می‌کند.

۳-۴- گسترش تنش در شبه جزیره کره

ترامپ در دوران کارزار انتخاباتی و اوایل ریاست جمهوری خود اعلام که در راستای کاهش امنیتی نمودن شبه جزیره کره ۳۸ هزار نیروی نظامی خود را از کره جنوبی خارج و شمار نیروها کف، وضعیت برعکس شده آمریکا در ژاپن را ژاپن به ۵۰ هزار کاهش خواهد. همچنین ترامپ در نشست گروه هفت در بروکسل که در ۲۶ مه ۲۰۱۷ برگزار شد قول داد مشکل بزرگ کره شمالی را حل و فصل کند. این درحالی است که با اعزام نیرو به منطقه را شاهد هستیم و درگیری‌های ترامپ با شبه جزیره کره روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد و جیمز ماتیس وزیر دفاع آمریکا هم در این راستا اعلام نموده که دیپلماسی صبر در مقابل کره شمالی به پایان رسیده است و تصمیماتی که ترامپ درخصوص دیدار با رهبر کره شمالی در سنگاپور گرفته بود به یکباره لغو اعلام نمود و در نشست خبری خود در کاخ سفید مطالبی را درخصوص افزایش توان نظامی آمریکا و برجسته‌تر نمودن تهدید کره انتشار نمود. که موجب دامن زدن و تشدید این مناقشه شده است اقدامات آمریکا درخصوص کره شمالی در دوره ترامپ شامل تحریم فروش نفت به کره شمالی، تحریم جهانی شرکت‌های هواپیمایی و رهگیری کشتی‌های کره شمالی می‌باشد. ترامپ و تیم وی به دنبال راهبرد دیگری غیر از تحریم هستند چراکه تحریم‌ها تاکنون نشان داده‌اند که قادر به شکست دادن پیونگ یانگ نیستند. تهدیدات گسترده آمریکا اعزام ناوگان جنگی و آماده باش در مرزهای کره شمالی، جنگنده‌های آمریکا در پایگاه گوام نشان دهنده عزم آمریکا برای مقابله با آن است. در سند دولت ترامپ ۱۶ بار به موضوع خطر کره شمالی می‌پردازد و با اشاره به ضرورت ایجاد اتحاد میان کشورهای شرق آسیا آورده است. از زمانیکه دونالد

ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا قدرت را در ابتدای سال ۲۰۱۷ به دست گرفته است. شاهد راهبرد سرسختانه پنتاگون و واشنگتن در قبال کره شمالی هستیم. رکس تیلسون وزیر امور خارجه آمریکا به همراه جیمز ماتیس بر اهمیت منطقه شرق آسیا و اقیانوس آرام و گسترش تسلیحات نظامی را در دستور کار قرار دادند (GrahamD, 2017: 7). در این راستا کره شمالی برای مقابله با ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان آن بر سیستم موشک‌های قدیمی اسکاد و سیستم‌های موشکی و موشک‌های جدید سوخت جامد نام برد. ترامپ نشست گروه هفت در بروکسل ۲۶ مه ۲۰۱۷ به هم‌پیمانانش قول داد مشکل بزرگ کره شمالی به زودی حل خواهد شد آمریکا در حال حاضر ۵ هزار نیروی نظامی در ژاپن و ۲۹ هزار در کره جنوبی و ۷ هزار نیرو در گوآنم دارد. شورای امنیت ملل متحد به اعتبار و درخواست ترامپ تحریم‌های گسترده‌ای (قطعنامه ۲۳۹۷) را علیه کره شمالی اعمال کرده است که نمونه آن کاهش واردات سوخت تا سقف ۹۰ درصد اشاره کرد، همچنین دستور اخراج کارگران کره شمالی از سایر کشورها بود که فشارهای اقتصادی بر این کشور بیشتر نموده است.

۳-۵- اختلاف با کوبا

با روی کار آمدن ترامپ در سال ۲۰۱۷ آنچه که بعنوان توافق آمریکا و کوبا در سال ۲۰۱۴ صورت گرفت لغو گردید در واقع ترامپ بسیاری از سیاست‌های دولت اوباما را رد کرد. و به بهانه نقض حقوق بشر به همراه نبود آزادی انتخابات کوبا را تحت فشار قرار داده است. که ترامپ برقراری روابط با این کشور را منوط به رعایت حقوق بشر آزادی زندانیان سیاسی، فضای باز سیاسی و برگزاری انتخابات آزاد عنوان کرده است. بهبود روابط با کوبا یکی از اقدامات ابتکاری اوباما بود که با روی کار آمدن ترامپ کاملاً لغو شد و روابط با کوبا را کاهش داد. و به موجب دستورالعمل اعلام شده از سوی دولت ایالات متحده محدودیت سفر به کوبا و تجارت با این کشور را دوباره در دستور کار و اجرا نمود و در سپتامبر ۲۰۱۷ تعداد کارکنان آمریکا در هاوانا به نصف افزایش یافت.

۳-۶- اختلاف با اروپا

ترامپ در اروپا درصدد از میان بردن همبستگی میان اعضای ناتو و اتحادیه اروپاست تا بدین شکل بتواند به صورت جداگانه با این کشورها ارتباط برقرار کند. از طرفی دیگر اتحاد و نظم ۷۰ ساله میان سران اتحادیه اروپا را از میان بردارد (www.mosalasonline.com). مهمترین مصداق ترامپ در خصوص اروپا در قالب سازمان ناتو بود ترامپ اعلام نمود که اعضای ناتو باید به تعهدات خود پایبند باشد و حمایت از متحدان ناتو مشروط به پرداخت هزینه به آمریکا است. از اعضای ناتو انتقاد نموده که هزینه‌های خود را پرداخت نمی‌کنند

و حتی پرداخت ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای اروپایی برای جبران خسارت‌ها کافی نیست (Newyorktimes, 2017). یکی دیگر از نگرانی‌های اروپا این است که اختصاص ۲ میلیارد دلار بودجه تولید ناخالص داخلی به امور دفاعی و نظامی هزینه زیادی را در بر می‌گیرد که در بردارنده میلیاردها دلار برای اتحادیه اروپا است. از طرفی هم عدم حمایت آمریکا از ناتو موجب حرکت کشورهای این اتحادیه به سمت تسلیحات هسته‌ای و ناامنی بیشتر شده است (Speigel online, 2016). وضع تعرفه‌های تجاری علیه اقتصاد اروپا بر صادرات خودروی آلمان به آمریکا تاثیر گذاشته است همچنین نگرانی از خروج آینده انگلستان از اتحادیه اروپا باعث شده است بسیاری از صادر کنندگان آلمانی نگران صادرات خود باشند. ترامپ در آستانه سفر به بریتانیا در مصاحبه با بوریس جانسون بیان داشت که خواستار خروج هرچه سریع‌تر بریتانیا از این اتحادیه است. جان بولتون مشاور امنیت ملی ترامپ بر اهمیت خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تاکید داشت و اعلام نموده که برگزیت هم برای لندن و هم واشنگتن سودمند خواهد بود.

۳-۷- کسب منافع در عراق

رویکرد سیاست خارجی ترامپ در قبال عراق را می‌توان تلفیقی از اهداف و ملاحظات راهبردی و کلان آمریکا از یک سو و دیدگاه خاص تیم ترامپ اشاره کرد. باتوجه به سیاست کلان اوباما که بر خروج نیروهای از منطقه بود ولی در دوره ترامپ معادلات دچار تغییر شد و شاهد افزایش تهدیدات نظامی در عراق هستیم. نگاه اقتصادی ترامپ در سیاست خارجی آمریکا در قبال عراق به بروز دیدگاه خاصی منجر شد ترامپ باتوجه به هزینه‌های آمریکا در جنگ خواستار بهره‌برداری از منابع نفتی به این کشور بعنوان غرامت شد و در این خصوص با العبادی نخست وزیر عراق صحبت کرد که خواستار پرداخت هزینه از سوی دولت عراق است. بطور کلی محور ترامپ در قبال عراق شامل:

(۱) تداوم حضور نظامی در عراق: با وجود خروج نیروهای آمریکای در عراق از سال ۲۰۱۱ براساس توافق امنیتی بین دو کشور با هجوم داعش به عراق در سال ۲۰۱۴ باعث افزایش نیرو شد ولی نیروها بعد از بحران داعش نه تنها با خروج نیرو روبرو نبودیم بلکه از سال ۲۰۱۶ شاهد افزایش نیرو هستیم طوری که در سال ۲۰۱۸ نظامیان آمریکا در عراق به ۵۵۰۰ نفر رسیده و ۵ پایگاه بزرگ آمریکایی در عراق قرار دارد. و نیروهای خروجی از سوریه را به عراق منتقل کرده است.

(۲) کنترل روندهای سیاسی و موازنه قدرت در عراق: آمریکا ترامپ درصدد است کنترل دولتمردان عراق و اوضاع سیاسی این کشور است. که جریانی سیاسی روی کار نیاید منافع آمریکا را دچار مشکل کند. براساس

این اصل آمریکا معادلات سیاسی از جمله انتخابات ۲۰۱۸ را کنترل نمود تا افرادی همچون مالکی وهادی العامری که با ایران در ارتباط هستند روی کار نیاید.

۳) کاهش نقش ایران در منطقه: تلاش‌های ترامپ در این زمینه اساسی‌تر و مهمتر است. مخالفت با حضور ایران در عراق که نمونه آن تشدید تحریم از سوی ترامپ بود (اسدی، ۱۳۹۷: ۹-۵).

۳-۸- گسترش تنش در یمن

آمریکا از سال ۲۰۱۵ به بهانه مبارزه با القاعده و داعش در کنار سعودی‌ها در یمن در حال جنگ هستند هرچند با اعتراضات بین‌المللی در دوره باراک اوباما و قرارداد فروش تسلیحات به میزان ۲۰۰ میلیارد دلار را به حالت تعلیق در آوردند. اما در دوره ترامپ در دستورکار قرار گرفت. آمریکا جنگ یمن را همانند سایر جنگ‌ها فرصت مناسبی در جهت فروش سلاح و مهمات بهبود وضعیت اقتصادی خود از طریق گسترش ناآرامی می‌داند. نیروهای ارتش آمریکا تحت عنوان گرین برت به عربستان سعودی در جهت ناامنی در یمن در حال کمک هستند. آمریکا با دامن زدن به این بحران درصدد گسترش ناامنی و مقابله با ایران در منطقه می‌باشد. آمریکا با دامن زدن به اختلافات یمن درصدد سرکوب جنبش شیعیان و تقویت بنیادگرایی و افراطی‌گری است. چراکه یمن کشوری استراتژیکی است، راه دسترسی به آسیا خاورمیانه برای آمریکایی‌ها است و می‌تواند ایالات متحده را در کمک‌رسانی به متحدان اصلی عربستان، اسرائیل و مقابله با ایران در منطقه و همکاری با القاعده استفاده کند. براساس آمارهای سازمان ملل در بحران یمن حدود ۱۰ هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر آواره شده‌اند. و ایالات متحده همچنان درصدد گسترش تسلیحات نظامی و لجستیکی را در اختیار عربستان قرار داده و تیلرسون اعلام نموده که آمریکا با رایزنی درصدد کاهش بحران در یمن است ولی نه تنها برای یمن کاهش نیافت، بلکه براساس گزارش یونسکو به وخیم‌ترین بحران انسانی جهان تبدیل شده است. آنتونی کرد زمن درخصوص سیاست آمریکا در یمن می‌گوید: «پیوند میان ارتباط ایران و حوثی‌های یمن تهدیدی اساسی برای منافع آمریکا و عربستانی بوده که موجب نفوذ ایران در منطقه و کنترل مناطق استراتژیک شده، منافع آمریکا را تهدید می‌کند چرا که کنترل تنگه باب‌المنندب نقش مهمی در امنیت جهانی دارد» (Rayan, 2015: 5-7).

۳-۹- جنگ تجاری با چین

در دو دهه اخیر شاهد رشد اقتصادی چین به صورت چشمگیر هستیم که چین در حال تبدیل شدن به قدرت برتر اقتصادی جهان است در همین راستا با روی کار آمدن ترامپ شاهد بالا گرفتن اختلافات این دو کشور

هستیم که درصدد بحران و تنش در محیط پیرامونی چین و مهار این کشور است که از سه روش اقتصادی، سیاسی و نظامی در حال تشدید بحران در چین و منازعه با این کشور است که با بحرانی نمودن منطقه به مقابله با این کشور پردازد. منازعه اقتصادی: از آغاز سال ۲۰۱۶ مهمترین حوزه اختلاف دولت آمریکا و چین به حوزه تعرفه‌ها برمی‌گردد. که ترامپ ادعا می‌کند چینی‌ها با در دست گرفتن بازارهای ایالات متحده موجب از دست رفتن فرصت‌های شغلی در داخل شده، بنابراین آمریکا با اعمال تعرفه بر روی واردات این کشور به داخل به مقابله با قدرت اقتصادی این کشور پرداخته، که نخست تعرفه ۱۸ درصدی اجرا شد و سپس افزایش آن به میزان ۴۵ درصد در دستور کار دولت قرار گرفت و ۵۰ میلیارد دلار بر صادرات چین به آمریکا وضع شده است. و در ادامه آمریکا در حال وضع نمودن تعرفه ۴۷۶ میلیارد دلاری بر کالاهای چینی است یعنی، تقریباً تمامی کالاهای وارداتی به آمریکا با مشکل تعرفه مواجه می‌شود. و چین با مشکل اساسی در این زمینه روبرو می‌باشد (www.faalalamtv.net). بحث ترامپ مشکل کسری تجاری آمریکا است که چین را عامل اصلی این مشکل معرفی نموده و این کشور را متهم به دستکاری در ارزش خود نموده که موجب اختلال در بازارهای آمریکا شده که در این راستا اقدام به تحریم شرکت‌های چینی از جمله شرکت مخابراتی (ZTE) را نام برد که ۸۹۲ میلیون دلار از سوی آمریکا جریمه شد. و تحریم شرکت سازنده تلفن‌های همراه هواوی و جلوگیری از ارتباط ۷۰ شرکت نرم‌افزاری که قبلاً با این شرکت در ارتباط بوده‌اند.

۲۷

منازعه سیاسی: ایالات متحده به لحاظ سیاسی در حال افزایش اختلافات و دامن زدن به آنها است که می‌توان به تنش در دریای جنوبی چین با همسایگان که یکی از نقاط استراتژیک چین است اشاره نمود، حمایت نمودن از ژاپن در مقابل چین بر سر جزایر مورد اختلاف که ترامپ در سفر خود به ژاپن اعلام حمایت کامل خود از این کشور برای مقابله با چین را اعلام نمود. و حمایت از استقلال طلبی مردم تایوان و حمایت از آنها در برابر چین که بازتاب آن را می‌توان در اقدام ترامپ نسبت به فروش سلاح به این کشور دانست. تشدید نظامی‌گری: افزایش حضور نظامی آمریکا در دوره ترامپ موجب توجه چین به ناآرامی‌های منطقه و کاهش توجه به امور اقتصادی شده که ایالات متحده با استفاده از برگزاری رزمایش‌های نظامی و برقراری اتحاد نظامی با کشورهای هند، استرالیا، ژاپن و تایوان روز به روز دامنه بحران را گسترش داده از طرفی دیگر با ایجاد بحران و تشدید نظامی‌گری در شبه جزیره کره چین را با مشکل اساسی تر روبرو نموده چراکه باعث بر هم خوردن شرایط امنیتی برای این کشور می‌شود از جمله اینکه با حمله ایالات متحده به شبه جزیره کره و فشار بر آن شاهد سیل مهاجرت از طرف کره به سمت مرزهای چین هستیم چون که چین ۱۶۱۴ کیلومتر مرز طبیعی نفوذپذیر با کره شمالی دارد و این سیل مهاجرت باعث بی‌ثباتی و مخاطرات امنیتی برای کشور

چین خواهد بود و از طرف دیگر اینکه ناآرامی در شبه جزیره کره غیر از فروپاشی سیاسی موجب بی‌ثباتی اقتصادی و رفتن کره شمالی به سمت سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی و گسترش تسلیحات نظامی در منطقه خواهد شد که در نتیجه این امر کشورهای کره و ژاپن در منطقه تسلیحات نظامی خود را افزایش داده که این خود تهدیدی مهم برای چین خواهد بود و چین با توجه به قدرت و نفوذ اقتصادی که در کره شمالی و بازارهای این کشور دارد نمی‌خواهد منافع و سرمایه‌گذاری‌هایش در این کشور به خطر بیفتد و اقتصاد این کشور را با بحران مواجه سازد (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴: ۹۳-۸۵).

۳-۱۰- گسترش مسابقه تسلیحاتی

دولت فعلی ایالات متحده آمریکا که خود را از حامیان صلح و امنیت معرفی می‌کند با توجه به مدرک و اسناد قابل دسترس خود به یکی از عوامل اصلی در ایجاد جو رقابت‌های تسلیحاتی تبدیل شده که نمونه آن قرارداد کلان ۴۶۰ میلیارد دلاری فروش سلاح به عربستان (۱۱۰ میلیارد دلار به صورت آبی و ۳۵۰ میلیارد دلار در طی ۱۰ سال) که در دولت ترامپ منعقد شده نشان دهنده توجه این کشور به مجتمع‌های صنعتی و نظامی است. تقویت ارتش و زیرساخت‌های آن جزء برنامه‌های ترامپ بوده، که در این راستا اعلام نموده برای تقویت نیروی هوایی ۲۴ فروند جنگنده اف ۱۸ از شرکت بوئینگ به همراه ۱۱۰ عدد جت و اختصاص ۱۶۸ میلیارد دلار برای خرید بمب افکن رادار گریز تا سال ۲۰۲۳ می‌باشد (محمدنیا، ۱۳۹۷: ۲۵۱). از طرفی هم به دنبال خروج از پیمان تجارت اسلحه است که در سال ۲۰۱۳ با هدف تعیین مقررات برای فروش سلاح و جلوگیری از انتقال فروش سلاح به تروریست‌ها منعقد شد. با توجه به اینکه آمریکا بزرگترین صادر کننده سلاح در جهان می‌باشد، اکنون با مخالفت جمهوری خواهان و لابی قدرتمند در کنگره روبرو شده و خواستار خروج آمریکا از آن است (www.irna.ir). و آشکارا خواستار توسعه و تقویت زرادخانه‌های هسته‌ای شده، با اشاره به کاهش توان هسته‌ای آمریکا بر گسترش توسعه و نوسازی زرادخانه‌های هسته‌ای تاکید دارد و آمریکا قصد دارد ظرف مدت ده سال بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار برای نوسازی زرادخانه‌های هسته‌ای خود هزینه کند. در همین راستا ترامپ دکتترین هسته‌ای جدید آمریکا در قالب سندی تحت عنوان "بازبینی وضعیت هسته‌ای" در فوریه ۲۰۱۸ انجام شد که پنتاگون بازنگری اساسی در زمینه قدرت نظامی و هسته‌ای آمریکا انجام داد. و در بودجه دفاعی سال ۲۰۱۹ ترامپ ۲۴ میلیارد دلار در جهت توسعه زرادخانه‌های هسته‌ای در نظر گرفته است. ترامپ طرحی را به کنگره آمریکا اعلام نموده است که خواستار بودجه ۴۴,۶ میلیارد دلاری برای هزینه در بخش انرژی است. که در آن ۱۱,۱ میلیارد دلار به فعالیت‌های هسته‌ای آمریکا اختصاص داده شده که با توجه به این اسناد نشان دهنده اقدامات ضد و نقیض در دولت آمریکا است.

نتیجه‌گیری

در بررسی مقایسه‌ای که در رابطه با بحث منازعه در سامانه فکری اوباما و ترامپ صورت گرفت باید گفت که طبق الگوی شخصیت‌شناسی مارگارت هرمن اوباما شخصیتی انتقادپذیر، تعامل‌جو، عدم اعتماد به نفس کاذب، تمرکز کاری و اعتماد متقابل بوده که خواستار مدیریت و کنترل منازعات بین‌المللی بوده که تحولات نظام جهانی را مدیریت کند. که بازتاب آن را می‌توان در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال مدیریت تحولات عراق و گسترش فرایند دولت‌سازی، مدیریت بحران افغانستان، حمله به مواضع داعش، تلاش برای کاهش بحران در سوریه، کنترل منطقه شرق آسیا به همراه مدیریت بحران در شبه جزیره کره و بهبود روابط با چین و اتحادیه اروپا را می‌توان از مهمترین اقدامات دولت اوباما در کنترل و مدیریت منازعات بین‌المللی دانست. در مقابل دونالد ترامپ که دارای شخصیتی قدرت‌طلب، اقتدارگرا، یکجانبه، اعتماد به نفس بالا و عدم اعتماد به سیستم نظم بین‌المللی که با شعار تغییر ساختارها به نفع ایالات متحده روی کار آمده است. که موجب تنش در سیستم نظم بین‌الملل شده، مدام در حال ایجاد تنش و بحران بوده از جمله دامن زدن در جهت گسترش بحران در سوریه، تنش در شبه جزیره کره، خروج یکجانبه از برجام و برهم زدن توافق با جمهوری اسلامی، ایجاد بحران در یمن، گسترش تسلیحات نظامی و خروج یکجانبه از توافقات بین‌المللی از جمله اقدامات ترامپ در این زمینه بوده است که باید گفت شخصیت اوباما در یک نگاه کلی تعامل‌جو و مدیریت‌خواه بوده که درصدد کنترل اوضاع به همراه برقراری صلح بوده، در مقابل شخصیت دونالد ترامپ منازعه‌آفرین بوده چراکه ترامپ منافع ایالات متحده را در ایجاد منازعه می‌داند. در واقع منازعه و قدرت‌طلبی جزء شخصیت ترامپ بوده است.

۳۹

فهرست منابع

- ۱- آدمی، علی (۱۳۹۲)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا با تاکید بر دوران اوباما»، فصلنامه راهبرد، س ۴، ش ۱.
- ۲- بیک، الکساندر و احمد، سلمان (۱۳۹۷)، «راهبرد امنیت ملی ترامپ‌گونه‌ای جدید از مرکانتیلیسم»، مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- ۳- بیات، خلیل و اسلامی، محسن (۱۳۹۶)، «امکان کاربرد الگوی تنش‌زدایی امیکا کوبا در روابط ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۶، ش ۲۳.
- ۴- بی‌نا، «نخستین گام اوباما در بهبود روابط با کوبا»، www.irdiplomacy.ir.4358.1388/10/25

- ۵- بی‌نا، «اوباما و حمله به مواضع داعش»، www.afghanirca.ir.22171.1393/2/8
- ۶- بی‌نا، «آغاز بزرگترین دوره اعمال تعرفه‌ها علیه کالاهای چینی»، www.faalalamtv.net.1397/7/2.3796081
- ۷- بی‌نا، «افزایش بودجه تسلیحاتی آمریکا در ۲۰۱۹»، www.irna.ir.97062110871.1397/6/21
- ۸- بی‌نا، «سیاست ترامپ در قبال اروپا»، www.mosalasonline.com.26686.1397/5/1
- ۹- بی‌نا، «پنج واقعت از خروج آمریکا از توافق آب و هوایی پاریس»، www.tasnimnews.com.1396/3/16.14285715
- ۱۰- بی‌نا، «پیمان تجاری تی پی تی هژمونی آمریکا در قالب اقتصادی»، www.mehernews.com.1395/10/7.3836274
- ۱۱- پوراحمدی، حسین (۱۳۹۱)، «تغییرات سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۷، ش ۴.
- ۱۲- دهشیری، محمدرضا و غندری، مجتبی (۱۳۹۴)، «الزامات و راهبردهای کلان جمهوری اسلامی در قبال سیاست‌های کلان خاورمیانه»، فصلنامه سیاست راهبردی کلان، س ۳، ش ۱۲.
- ۱۳- ربیعی، حسین (۱۳۹۷)، «ترامپ از معرکه سوریه چه می‌خواهد»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ۱۴- روحی‌دهنه، مجید (۱۳۹۶)، «خاورمیانه پس از تحولات ۲۰۱۱ و بحران دولت‌های منطقه‌ای»، فصلنامه دولت-پژوهی، س ۳، ش ۱۲.
- ۱۵- ساجدی، امیر (۱۳۹۶)، «سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ، بحران سوریه و حمله موشکی آمریکا»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، س ۱۰، ش ۴.
- ۱۶- ساجدی، امین (۱۳۹۲)، «بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۶، ش ۲۴.
- ۱۷- سبجانی، مهدی (۱۳۸۸)، «راهبرد جدید آمریکا در افغانستان»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۳، ش ۳.
- ۱۸- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۹۰)، روانشناسی اجتماعی، تهران، نشر آوای نور.
- ۱۹- سوری، روح‌اله (۱۳۹۷)، «خروج آمریکا از برجام ضرورت‌ها و موانع پیش‌رو»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ۲۰- شفیعی، نوذر (۱۳۹۶)، «تبیین عوامل موثر بر استراتژی دولت ترامپ نسبت به افغانستان»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، ش ۲۴.
- ۲۱- عباسی، مجید و مرادی، حسین (۱۳۹۴)، «جایگاه کره شمالی در رقابت استراتژیک آمریکا و چین»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴.
- ۲۲- فیست، جس و جی فیست، گریگوری (۱۳۸۹)، نظریه‌های شخصیت، مترجم: یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان.
- ۲۳- قادری کنگاوری، روح‌اله و ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۸۹)، «تحلیل گفتمان سیاست خارجی اوباما در قبال جهان اسلام»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۳، ش ۱۱۴.

- ۲۴- قریب، حسین (۱۳۹۰)، «مرزهای تداوم تغییر در دکترین امنیت ملی اوباما»، فصلنامه روابط خارجی، ش ۳.
- ۲۵- گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰)، رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت، تبریز: نشر جامعه پژوه.
- ۲۶- مرکز بررسی‌های استراتژیک (۱۳۹۷)، «منازعه مسلحانه در سوریه نمای کلی از واکنش سوریه»، مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- ۲۷- واعظی، محمود (۱۳۹۱)، «رویکرد دولت اوباما به جهان اسلام تغییر یا تداوم سیاست‌های آمریکا»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۴، ش ۱.
- ۲۸- یزدان فام، محمود (۱۳۹۷)، «راهبردهای دولت ترامپ در مورد ایران اهداف و سازوکارها»، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۹- یزدان فام، محمود (۱۳۸۸)، «چشم‌انداز مناسبات سیاسی عراق و آمریکا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴۷.

لاتین:

- 30- Express (2017). us, warns an-unchecked Iran could follow the path of north korea amidw fears retived from. <http://www.express.com.uk/newsworld794047/>.
- 31- G. Herman, Margaret (1999). Assessing leadership style: A trait analysis, minor revision 2002-11-13, by social science Automation, Inc.
- 32- Graham David, A (2017). the many north korea policies of the trump Administration. the Atlantic Apr, 28. <https://www.theatlantic.com.international.archive/2017/the-many-north-korea>.
- 33- Hermann, Margaret (2001). Thomas breston who leads matters the effect of power full individual as: published by blackwell publishers usa.
- 34- Matrine, cartish (2010). Barak Obama north korea: Astuday in president transition, pacific focus: Inha ternal of International studies.
- 35- New york times (2017). In Nato speech trump Is vagage about mutual Defence phedy. available. <http://www.nytimes.com.2017/05/25.world group-donal-trump-eu-nato.html>.
- 36- Randall, Stephen (2008). The American Foreign policy transition: Barack obama in power, journal of military and strategic studies.
- 37- Rayan, Patrick (2015). The yeman crisis and The Bab El Mandab mgitime-chokpoint, available at: <http://www.susris.com>.
- 38- Sick, Gray (2014). The Obama Doctorine, progection middhest political, science, March 24.
- 39- Spiegel, online (2016). Extermen-unpresedented uncertalenty. NATO trump presidency November.